# تفاوت کسوف و اهلال هلال در ظاهره سماوی بودن؛ نقدی بر علامه تهرانی

(44:40)

آن چه که الآن بحث ما است، این است: در مراسلات ایشان فقط کسوف را مطرح کرده‌اند. گفته‌اند «و لعمری ما الفرق بین طلوع القمر اذا خرج عن تحت‌الشعاع و بین الکسوف». بعد فرموده‌اند:

> **إن قلت: فرق بين الكسوف و خروج القمر عن تحت الشعاع، لأنّ الكسوف ليس أمراً سماوياً؛ و لا ربط له بالقمر؛ بل هو عبارةٌ عن احتجاب الشّمس لأهل الأرض بحيلولة القمر، الحاصل بدخول الأرض في الظلّ‌المخروطي من القمر، كما ورد هذا العنوان في الرواية، بأنّه كُسِفت عَنّا الشّمس. فالاحتجاب إنّما هو بالنسبة إلى الأرض و أهلها؛ و معلوم أنّ الاحتجاب مختلف بالنسبة إلى سكنة الأرض؛ و لا يكون جميعاً تحت هذا الحجاب. فإذن في كلّ ناحية من الأرض حصل الاحتجاب، تترتّب عليه أحكامه من صلاة الآيات و غيرها و في كلّ ناحيةٍ لم يحصل، لا تترتّب عليه الأحكام.**
>
> **قلت: خروج القمر عن تحت الشعاع أيضاً كذلك؛ لأنّه عبارة عن خروجه من مقارنة الشّمس بمسافةٍ معينةٍ بالنسبة إلى أهل الأرض؛ فلولا أهل الأرض و محاذاتهم، لا تتحقّق المقارنة و الخروج أبداً و مع غضّ‌النظر عن الأرض، لا يختلف حال القمر في المحاق و تحت الشعاع عن سائر أحواله؛ و هو يدور في السماء حول الأرض دائماً بلا تغيّر كيفيةٍ و لا تبدّل حالٍ..[1]**

در "**ان قلت**"، می‌گویند: بین کسوف و خروج از تحت القمر فرق هست. در "قلت" جواب داده‌اند که فرق هست.

**«ان قلت... لأنّ‌الكسوف ليس أمراً سماوياً؛ و لا ربط له بالقمر»؛** اصلاً کسوف ظاهره سماوی نیست و ربطی هم به ماه ندارد. «بل هو عبارةٌ عن احتجاب الشّمس لأهل الأرض بحيلولة القمر»؛ یعنی اگر شما به آسمان بروید حال قمر بین زمین و بین ماه قرار گرفته و خورشید در جای خودش نور می‌دهد. ولذا اسمی از خسوف نمی برند و خسوف را برای بعد می‌گذارند. می‌گویند خسوف نه، اگر به آسمان بروید الآن واقعاً روی ماه سایه افتاده است. اگر سایه زمین روی ماه بیافتد ظاهره سماوی است. یعنی ربطی به این ندارد که ما ماه را تاریک ببینیم. بلکه ماه الآن

تاریک است. سایه زمین روی ماه افتاده و تمام. پس خسوف ظاهره سماوی است. اما کسوف ظاهره سماوی نیست. چرا؟ چون اگر دقت کنید، خورشید که نور خودش را میدهد؛ خورشید که تاریک نشده است. ماه آمده جلوی خورشید قرار گرفته است. سایه ماه نگذاشته نور خورشید که میآید، به ما بتابد. پس اصلاً ظاهره سماوی نیست. بلکه برای ما است. احتجاب برای ما است. چون خورشید دارد نور خودش را میدهد.

**شاگرد**: بلد به بلد است.

**استاد**: بله.

این "**ان قلت**" بود. اگر بگویید فرقی هست؛ یعنی خورشید که دارد نور خودش را میدهد، چه ظاهره سماوی است؟!

**«قلت؛ خروج القمر عن تحت الشعاع أیضاً كذلك»؛** اگر این جور بگویید خروج قمر از تحتالشعاع هم همینطور است. چرا؟

**«لأنّه عبارة عن خروجه من مقارنة الشّمس بمسافةٍ معینةٍ بالنسبة إلی أهل الأرض»؛** آن هم ظاهره سماوی نیست. خورشید و زمین هستند، [قمر] هم دارد دور زمین میگردد. به رو به روی این میرسد و دور میزند و میرود. خروج القمر از تحتالشعاع که سماوی نیست. ماه دارد میرود. این فاصلهای که میگیرد، آن فاصله برای اهل الارض است که اهلال هلال صورت میگیرد. این جواب ایشان است. خُب فرق دارد یا ندارد؟

**شاگرد**: بی فرق نیستند ولی میتوانند مناطا مشترک باشند.

**استاد**: ببینید در قبلی، شمس داشت نورش را میداد. ما روی زمین از نور خورشید با سایه ماه محجوب میشدیم. اینجا اهل الارض یعنی قاطنین در یک نقطه خاصی از زمین، سایه ماه روی آنها افتاد ولو خورشید دارد نور خودش را میدهد. اما فاصله گرفتن قمر از شمس که برای نقطه خاصی از زمین نیست. به عبارت دیگر اهل الارض در اینجا دو معنا است. اهل الارض قبلی، ساکن در یک نقطه از زمین محجوب به نور شمس میشوند. اما زاویه ی خاصه ای که در آسمان بین قمر و شمس صورت گرفته، فقط برای بلد خاصی صورت نگرفته است. آن فاصله کلی است. در آسمان است. این ظاهره سماوی است. لذا اینکه شما بالنسبة الی اهل الارض میگویید، درست است اما یعنی اهل کرة الارض. نه اینکه اهل الارض یعنی اهل یک جای خاص.

**شاگرد**: بالأخره هر دوی آنها یک سایه واقعی است که محقق میشود.

**استاد:** نه، در اینجا صحبت از فاصله گرفتن از سایه نیست. سایه برای ماه است. این خسوف و کسوف میشود.

**شاگرد۲:** خروج از تحتالشعاع با فاصله گرفتن تفاوتی ندارد؟ خروج از تحتالشعاع برای ما است. میگوییم شعاعش در آمد.

**استاد**: نکته مهم این است: شکل بیضی را در نظر بگیرید. اگر بگوییم خود هلال در آسمان است. شما چه زمانی در سر سهمی میگویید حالا میتوانید با تلسکوپ آن را ببینیم؟ سر سهمی کجای زمین است؟ شما کاری ندارید که سر سهمی کجای زمین است. سر سهمی نیم کره شمالی باشد، نیم کره جنوبی باشد، فرق ندارد. پارامترهایی که سر سهمی را معین میکند، هیچ ربطی ندارد به این سر سهمی در دریا باشد یا در نیم کره شمالی باشد. آن سر سهمی را چه پارامترهایی روشن میکند؟ پارامترهای همان امر سماوی. دارد میگوید آلآن قمر فاصله گرفته و اولین جایی که

خود هلال را می‌توان دید –هر کجا می‌خواهد باشد- اینجا است.

**شاگرد:** این روی مبنای شما درست است. یعنی در اوج و حضیض مبانی مختلف می‌شوند.

**استاد**: ببینید سر سهمی در اوج و حضیض تفاوتی نمی‌کند. سر سهمی که روی مبنای من نیست. ما کاری به مبنا و کل کره نداریم. من یک شکلی را می‌گویم که همه می‌توانند ببینند. من عرض می‌کنم روی چه حسابی می‌گویید الآن اینجا در سر سهمی می‌توانیم با تلسکوپ ببینیم؟ دو ساعت بعدش می‌توان با شرائط عادی دید، این را روی چه حسابی می‌گویید؟ چه محاسباهای به این نرم‌افزار دادید که این را می‌گوید؟ می‌گویید نیم کره شمالی است یا جنوبی است؟! می‌گوید فرقی نمی‌کند. واقعه خارجی است.

**شاگرد۲**: کسوف هم همینطور است. یعنی درست است که برای ما جلوه می‌کند ولی آن هم واقعه ی خارجی است.

**استاد:** وقتی بقیه جاهای سهمی را می‌خواهید توضیح بدهید، هر بلدی دخالت دارد. یعنی شما باید بگویید کدام بلد در کجای این سهمی واقع است. در این حرفی نداریم. ولی خود سهمی را می‌خواهید در هر ماهی محاسبه کنید و بگویید در چه زمانی سر سهمی شروع می‌شود. کجا ندارد. هر کجا می‌خواهد باشد.

**شاگرد:** باید کره زمین باشد.

**استاد**: الآن شما دقیقاً حرف من را زدید. کره زمین باید باشد. اما نه فلان نقطه زمین که شرقی یا غربی است. تفاوت همین است. کره زمین را قبول دارم؛ برای اینکه شکل سهمی شکل بگیرد کره زمین باید باشد. اهل الارض هم یعنی اهل کرة الارض. اما لازم نکرده برای اینکه این سهمی شکل بگیرد بگوییم نیم کره شمالی است، جنوبی است، شرق است و ... . اصلاً دخالتی ندارد. پس اهل کرة الارض جمیعا در شکل گیری خروج القمر از تحت‌الشعاع دخالت دارند. اما برای کسوف چطور است؟

**شاگرد۲**: برای کسوف هم یک نقشه ای می‌اندازند و می‌گویند یک لحظه‌ای روی زمین شروع می‌شود. بالأخره نصف قمر همیشه روشن است. بحث این است که چه زمانی آن را می‌بینیم. یا اینکه سایه ماه چه زمانی روی زمین می‌افتد و آن را می‌بینیم. ایشان که می‌گویند فرق نمی‌کند، می‌گویند نصف ماه همیشه روشن است. بحث این است که ما که در بالا هستیم آن را نمی‌بینیم ولی کسی که در نیم کره جنوبی است می‌بیند. و الا در عالم همیشه نصف ماه روشن است.

**استاد**: اهلال هلال یعنی ماه در آسمان فاصله ای گرفته که در زمین می‌توان آن را دید. خُب کجای زمین؟ الآن که کجا ندارد. می‌توان آن را دید. هر کجا باشید، سر سهمی را که ببینید می‌توان آن را دید. اما در کسوف می‌گویید الآن سایه ماه روی زمین افتاده، اما کجای زمین؟ جا دارد.

**شاگرد**: فرق نمی‌کند.

**استاد:** یعنی الآن کجا ندارد؟!

**شاگرد**: سر سهمی هم همینطور است. کجا می‌توان ماه را دید؟ بالا نمی‌توان دید ولی پایین می‌توان دید.

**استاد**: ان شاء الله فردا ادامه همین بحث که ببینیم فرق هست یا نیست

**والحمد لله رب العالمین**

---

[1] رسالة حول مسالة رویة الهلال ص ۴۱

---

بازبینی #2
ایجاد شده 19 ژانویه 2026 13:56:07 توسط ... .
به روزرسانی شده 19 ژانویه 2026 13:58:41 توسط ... .